

ترجمه‌ی حاضر در واقع مقاله‌ی اول آخرین شماره مجله مانتلی ریویو است. این شماره به بررسی اقتصاد نوین اختصاص یافته است. گاش پست مدیریت‌های وطنی ما نه تنها این مجله بلکه ادبیات اقتصادی سال‌های اخیر را که در آمریکا هر روز به چاپ می‌رسد دنبال می‌کند و می‌خواندند و صفحات اقتصادی روزنامه‌های معتبر این جا را هم به هر تقریر این مقاله از آن جهت به نظر مهم آمد که حاوی بخشی از آخرین داده‌ها درباره‌ی اقتصاد آمریکا و گزارشات جاری آن است.

اقتصاد نوین

افسانه و واقعیت

مر ترضی محیط

نظریه‌ی اقتصاد نوین در سال‌های اخیر چنان به طور گسترده رایج گردیده است که به عنوان واژه‌ای جهانی و جدید، واژه‌ای که قرار است نشان دهنده‌ی خصوصیت ویژه‌ی عصر ما باشد، تقریباً با واژه‌ی جهان‌گستری (Globalization) و رقابت می‌کند.

در این راستاست که گزارش سالانه اقتصادی به رئیس جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۱ چنین آغاز می‌گردد:

«اقتصاد آمریکا، در عرض ۸ سال اخیر چنان به طور بی‌نظیری درگون یافته است که بسیاری بر این باورند که ما شاهد ایجاد یک اقتصاد نوین هستیم. طبق این نظریه، اقتصاد نوین در دوچه‌ی اول

و بیش از همه از آن مؤسسات و بخش‌های اقتصادی تشکیل می‌گردد که نزدیک‌ترین ارتباط را با انقلاب در تکنولوژی سرگشتگی (اندیجیتال) و گسترش اینترنت دارند. بازار بر اینست که همگامی سریع تکنولوژی اطلاعاتی، شامل کامپیوترها، نرم‌افزارها، موبایل‌ها، دبیر الکترونیک، نورشناسی تازی و اینترنت

چشم‌انداز اقتصادی را به طور بنیادی درگون کرده است. چنین استتال می‌شود که به‌بهره‌های انقلابی در تکنولوژی، از سال‌های میانی دهه‌ی

۱۹۹۰ به این سو، به دیگر موجه‌های اقتصاد نیز گسترش یافته و در نتیجه موجب افزایش بازآوری کار (Productivity) رشد بروقفه‌ی اقتصادی، تقابل یکدیگر بیکاری، کاهش تورم و در نتیجه کاهش

چشمگیر شدت چرخه‌های اقتصادی (Business cycle) گردیده است.

از بدی اکثر ناظرین، کانون اصلی اقتصاد نوین بهای اوج‌گرفته سهام شرکت‌های تولید کننده این تکنولوژی‌ها بوده است؛ عاملی که سفته‌بازی در بازار سهام را در دورانی که اکنون به شکوفایی عصر غلاتی معروف شده است به اوج تازه و سرگیجه‌آوری رساند.

این اوج‌گیری سراسر بازار بورس سهام، از سوی سرمایه‌داران به عنوان واکنش منطقی به فرصت ایجاد شده از سوی اقتصاد نوین و نه صرفاً یک تورم حباب‌ور قیمت در اثر سفته‌بازی - توجه گردید اگرچه همین نظریه پروژان پس از سقوط شدید بهای سهام شرکت‌های وابسته به تکنولوژی‌های جدید در نیمه‌ی دوم سال ۲۰۰۰ دچار دستپاچگی شده‌اند؛ به طور همزمان، موج عظیم و تازه‌ای از اندام شرکت‌های بزرگ، موجی که پیش از این هرگز دیده نشده، در حال وقوع بوده است که با هم با جهانی شدن سرمایه و اقتصاد نوین توجیه گردیده است.

در این میان این گویین‌سین، ونیس بانک مرکزی آمریکا بزرگ‌ترین مبلغ‌توری اقتصاد نوین بوده است. در سخنرانی که او زیر عنوان تفسیرات ساختاری در اقتصاد نوین، خطاب به مجمع ملی استاداران در ژوئیه سال ۲۰۰۰ ایراد کرده شیوه استدلالش چنین بود:

«این گسترش تکنولوژی اطلاعاتی به سراسر اقتصاد بوده است که موجب گردیده دوران حاضر این‌گونه، به دهه‌های پیش متفاوت باشد - یکی از نتایج آهنگ سریع‌تر نوآوری‌های تکنولوژی

اطلاعاتی، شدت‌گیری چشمگیر فزاینده‌ی بوده است که ژوزف شویپرت اقتصاددان نامدار سال‌ها پیش آن را تخریب سازنده - یعنی جابه‌جایی بر وقفه‌ای که

نسن آن از سوی‌های تازه تکنولوژی قدیم را کار می‌زند - نامیده است. یکی از مزایای اقتصاد نوین اینست که شرکت‌ها را قادر می‌سازد در کم‌تر از یک

تاثیه بسیار از اطلاعات تولید کنند؛ اطلاعاتی که به آن‌ها اجازه می‌دهد از آتیار کردن غیر ضروری کالاها جلوگیری کرده و از وجود سرمایه و کار مازاد بر احتیاج راحت شوند»

در سخنرانی دیگری که در ۶ مارس ۲۰۰۰ در کالج بوستون ایراد کرد او مدعی شد:

«سپارایدها دلاری که استحصارات صرف تکنولوژی اطلاعاتی کرده بودند ظاهراً تا اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ تاثیر چندانی بر وضع کلی اقتصاد نگذاشت بود اما به ۱۹۹۵ که مرسیم وضع تغییر می‌کند و گسترش تکنولوژی درین‌سال، اقتصاد قدیم را نیز دستخوش تغییری انقلابی کرده و بدین سان

اقتصاد نوین را به پدیده‌ای همه‌جا گیر تبدیل می‌کند» به قول ارنه پدو به طور مثال مدل‌سازی کامپیوتری، زمان و هزینه طرح‌ریزی قطعات را از اتومبیل گرفته تا هواپیماهای مسافری و اسلحه‌ها را شدتاً کاهش داده است»

قابلیت انعطاف دانش نیروی کار یعنی کارگران بدون سندیکا، فوق‌العاده جابه‌جایی‌پذیر و وفوری و موثر که گاه متضمن داشتن مهارت‌های جدید شغلی است نیز به اقتصاد نوین نسبت داده شده است. در مقایسه‌ی نیروی کار در آمریکا با اروپا و ژاپن - که عضویت در اتحادیه‌ی کارگری در سطحی به مراتب بالاتر از آمریکا است - کوین سین در تعلق ژاپنه خود می‌گوید: «بازار کار نسبتاً انعطاف‌ناپذیر و سبازین بر هزینه تر این اقتصادها [اروپا و ژاپن] به نظر می‌رسد، بخش اعظم توجه این مسئله باشد [که چرا اقتصاد نوین در آن جا آهسته‌تر پیش رفته است].

نوخ سود بالاتر ایجاد شده در اثر تکنولوژی‌های جدیدتر در ایالات متحده تا حد زیادی نتیجه‌ی تقابل هزینه‌ی کار در هر واحد تولید است. سود سرمایه‌گذاری در تکنولوژی مشابه، در اروپا و ژاپن به همان نسبت پایین است چرا که در آن‌جا هزینه‌ی جابه‌جایی [خارج] کارگران بیش از آمریکا است»

وجود اقتصاد نوین به مفهوم پیدایش یک بخش تکنولوژی اطلاعاتی، پویا در اقتصاد که محرک اثبات سرمایه بوده است قابل توجیه نیست. این پدیده آشکارا چیزی شخصی و متفاوت از تاریخ سرمایه‌داری به وجود می‌آورد. دو نظریه‌ی دیگر

مربوط به اقتصاد نوین اما بیش تر ستوارالکتیونند. نخست آن که ادعا می‌شود که اقتصاد نوین انقلابی تکنولوژیک - صنعتی، قابل مقایسه با اختراع ماشین بخار یا اتومبیل از جهت تأثیر بر کن اقتصاد به وجود

آورده است؛ انقلابی که تمامی اقتصاد قدیم را زیر تأثیر خود درگون کرده و در نتیجه عصر جدیدی را آغاز می‌یابد و وقفه باورسی کار را به دنبال آورده است.

به قول مجله فورچون (۸ ژوئن ۱۹۹۸) «تأشیه کامپیوتری هم‌اکنون زندگی ما را دستکم به همان اندازه درگون کرده است که موتور با احتراق داخلی یا موتور الکتریکی درگون کرده بود. آن که اغلب چنین نظر داده می‌شود که اقتصاد نوین چرخه‌های اقتصادی را اگر هم به طور کلی از میان نبرده باشد

لااح بسیار سبک‌تر کرده است. نوماس پیترزینگر در این رساله در نتیجه‌ی این سوال است: «چرخه‌های دسامبر ۱۹۹۹ - نظری می‌دهد که «چرخه‌های اقتصادی - که مخلوق عصر صنعتی است - بسیار امکان دارد که تبدیل به یک مسئله‌ی قدیمی شوند»

بقیه این مقاله، صرف بررسی این نو ادعای اخیر خواهد شد.

آیا این یک انقلاب صنعتی نوین است؟

این واقعیت که گروهی در سه ماهه‌ی آخر سال ۲۰۰۰ تکنولوژی اطلاعاتی فقط حدود ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل می‌داد اما نزدیک به یک چهارم کل رشد اقتصادی سال‌های بعد از ۱۹۹۵ به این بخش و بخش ارتباطات راه دور مربوط می‌گردد، می‌تواند دیدی درباره اهمیت بخش اقتصاد نوین برای کل اقتصاد به ما بدهد. همان‌گونه که در جدول شماره ۱ دیده می‌شود سهم سرمایه‌گذاری در تکنولوژی اطلاعاتی از کل سرما به‌گذاری‌ها در وسایل صنعتی و نرم‌افزار (که مساوی با مجموع سرمایه‌گذاری‌های ثابت خصوصی در کارهای غیرمسکن‌سازی منهای سرمایه‌گذاری در ساختمان‌ها است) از کم‌تر از یک سوم در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید.

جدول ۱

سرمایه‌گذاری در تکنولوژی اطلاعاتی در اقتصاد آمریکا میان سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ (به میلیارد دلار)

| سال | مجموع سرمایه‌گذاری در وسایل صنعتی و نرم‌افزار | سرمایه‌گذاری در وسایل پردازش اطلاعات و نرم‌افزار (B) | سنتون (۲) : سنتون (۱) |
|----------|---|--|-----------------------|
| ۱۹۸۰ | ۲۲۷ | ۶۹/۶ | ۳۰/۷ (فرد) |
| ۱۹۸۵ | ۳۳۲/۳ | ۱۲۰/۸ | ۳۹/۱ |
| ۱۹۹۰ | ۲۲۷/۸ | ۱۷۶/۰۱ | ۲۱/۲ |
| ۱۹۹۵ | ۶۲۰/۵ | ۲۶۲ | ۲۲/۲ |
| ۱۹۹۹ | ۹۱۷/۲ | ۲۳۳ | ۲۷/۲ |
| ۲۰۰۰ (B) | ۱۰۳۶/۹ | ۵۲۲/۱ | ۵۱/۳ |

(A) شامل کامپیوترها، نرم‌افزارها و دیگر وسایل پردازش اطلاعات

(B) امار مربوط به سال ۲۰۰۰، امار مقدماتی و شامل پیش‌بینی ارقام سرمایه‌های آخر آن سال است

پس آیا ما شاهد یک انقلاب صنعتی جدید هم تراز انقلاب صنعتی اول که در پایان قرن ۱۸ آغاز شد [حول محور دیگ بخار] یا انقلاب دوم که در ابتدای قرن بیستم آغاز گردید (حول محور اتومبیل و الکتریسیته) هستیم؟ از دیدگاه بسیاری از طرفداران اقتصاد نوین، این نه تنها یک انقلاب صنعتی جدید است، بل که انقلابی از آن گونه است که تمام قوانین اقتصادی - از جمله سبک اقتصادی - را به حالت تعلیق درآورده و حرکت آن به سمت دورانی طولانی و بی‌پایان‌تر رشد سریع اقتصادی است. واقدیات اما هیچ‌یک از این زیاده‌گویی‌ها و اثبات نمی‌کنند. در این رابطه مفید خواهد بود که میان آن بخش از اقتصاد که کامپیوترها را تولید می‌کند و بخشی که در آن از این وسایل (کامپیوترها و نرم‌افزارها) استفاده می‌شود تمایز قائل شویم. بر خلاف نظریه رایج، ضمن فعالیت‌های اقتصادی، در همه جا به‌طور مساوی از کامپیوتر استفاده نمی‌شود. رابرت مک گوکین (R. Mc Guckin) و کوین استیو (K. Stroh) دو نفر از اقتصاددانان عضو هیئت مدیره کونفرانس، تحلیل از هشت بخش اقتصاد خصوصی که بیش از هر جا از کامپیوتر استفاده می‌کنند - و هر یک بیش از ۳ درصد از سرمایه‌گذاری‌هاشان صرف کامپیوتر می‌گردد - ارائه دادند. این بخش‌ها شامل ۳ رشته‌ی خدماتی - تجارت، سرمایه‌های مالی، بیمه، معاملات ملکی و دیگر خدمات - و هارشته صنعتی - شامل ماشین‌سازی غیرالکترونیکی، ماشین‌سازی الکترونیکی، چاپ و انتشار مطبوعات، ابزارسازی، سنگ تراشی، شیشه و گِل‌سازی است.

درصد کل آموزش افزوده در اقتصاد و سهم سرمایه‌گذاری برای کامپیوتر در اقتصاد هر یک از این بخش‌ها در سال ۱۹۹۱ نو جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲

هشت بخش اقتصادی آمریکا که در سال ۱۹۹۱ بیش از بخش‌های دیگر از کامپیوتر استفاده کرده‌اند

| رشته اقتصادی | درصد کل آموزش افزوده در اقتصاد | درصد کل سرمایه‌گذاری برای کامپیوتر در آن رشته اقتصادی |
|--------------------------------|--------------------------------|---|
| صنعت | | |
| ماشین‌های غیرالکترونیکی (A) | ۲/۲ | ۲/۶ |
| ماشین‌های الکترونیکی | ۱/۹ | ۲/۵ |
| چاپ و انتشار | ۱/۷ | ۲/۲ |
| ابزارسازی | ۱/۵ | ۱/۵ |
| سنگ تراشی، شیشه و گِل‌سازی | ۰/۶ | ۰/۹ |
| خدمات | | |
| تجارت | ۱۵/۴ | ۱۲/۲ |
| ابور، مالی، بیمه، معاملات ملکی | ۱۱/۷ | ۳۲/۲ |
| دیگر خدمات (B) | ۲۵/۱ | ۳۰/۲ |

(A) کامپیوتر و وسایل اداری یکی از افلامی است که در بخش ماشین‌های غیرالکترونیکی منظور گردیده.

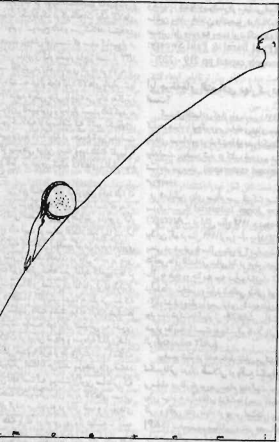
(B) شامل خدمات شخص و کسب و کار مانند نرم‌افزار، خدمات بهداشتی و خدمات حقوقی

مهم‌ترین نکته در جدول این واقعیت است که ۷۶٪ درصد از تمام سرمایه گذاری‌های کامپیوتری در اقتصاد در سال ۱۹۹۱ در بخش‌های تجارت امور مالی، بیمه و معاملات ملکی و دیگر خدمات (شامل خدمات شخصی مختلف از جمله خدمات حقوقی، بهداشتی و نرم‌افزار) بوده است. فقط ۱۱٪ درصد از سرمایه گذاری‌های کامپیوتری در اقتصاد مربوط به پنج بخش از صنعت است که از کامپیوتر استفاده زیاد می‌کنند - و در جدول شماره ۲ نشان داده شده‌اند - و ۱۱٪ درصد دیگر توسط ۲۷ رشته صنعتی دیگر از جمله شامل کشاورزی، معدن، حمل و نقل، ساختمان، وسایل ارتباطی و خدمات عمومی) می‌باشد.

نوع و ساختار تقاضا برای کامپیوتر که در این جا نشان داده شده البته مشخصاً بازتاب ویژه عظیم خدمات - به ویژه خدمات مالی - در اقتصاد است. با این همه، انقلاب تکنولوژیکی که بیش از سه چهارم تقاضای اقتصادی خود را در رشته‌های خدماتی (شامل امور مالی، خدمات پزشکی، خدمات حقوقی، بازاریابی، خدمات حقوقی و بهداشتی، تفریحات و دیگر خدمات شخصی) پیدا کند شاید قدری ناتوان‌تر از آن باشد که بتوان یک انقلاب صنعتی تمام عیار نامیدش.^(۱)

رشته‌های خدماتی به جای آن که رشد بارآوری کار بازاری را در اقتصاد نمایندگی کنند (تازه اگر بارآوری کار در این موقیبت معنائی داشته باشد) عموماً درست عکس این مسئله را نمایندگی می‌کنند.^(۲)

واقعیت این است که اگر این نظریه درباره اقتصاد نوین را که انقلاب کامپیوتری از سال‌های دهه ۱۹۹۰ به این سو بارآوری کار را در سراسر اقتصاد افزایش داده به طور تجربی و عملی مورد بررسی قرار دهیم حداقل آن چه می‌توان گفت این است که وجود شواهد مستحکم دال بر این که کامپیوتر پیشرفت زیادی در این زمینه ایجاد کرده باشد هنوز بسیار ناچیز است. افزایش میزان بارآوری کار که همراه با دوره صودی چرخه اقتصادی به وجود آمد طبیعتاً موجب تقویت این نظریه شد که انقلاب تکنولوژی - اطلاعاتی موجب لن گردیده است. اما آیا چیزی به میزان ۱/۳۳ درصد در نرخ میانگین سالانه رشد بارآوری کار که از ۱۳۲ درصد میان سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۵ به ۲/۷۵ درصد میان سه ماهه آخر ۱۹۹۵ و سه ماهه آخر سال ۱۹۹۹ رسید - واقعاً نتیجه‌ی اثر محرکه‌ی تکنولوژی اطلاعاتی بر بارآوری کار بوده است که به تمامی اقتصاد گسترش یافته؟ این مسئله توسط رابرت گودن، پروفیسور اقتصاد دانشگاه نورت وسترن به طور سیستماتیک مورد مطالعه قرار گرفته است. او حاصل بارآوری کار (Productivity) را



مثل یک بیاز لایه به لایه مورد بررسی قرار می‌دهد و با این کار به نتایج حیروثوری می‌رسد: نتایجی که بسیار متفاوت با تئوری‌های رایج در دستگاه حاکم است. پروفیسور گورنوف عوامل مختلفی را که در جهش نوع بارآوری کار سهیمانه زیر ذره‌بین قرار می‌دهد: اثرات عوامل گوناگون سهام در این جهش مانند روش پرداخت سهام، اقتضای کسب‌وکار کامپیوتری و تکنولوژی که در تولید سخت‌افزار کامپیوتری تغییرات تکنولوژیک در کارخانجات تولید کالاها و یا دوم را توضیح داده و می‌شکافد. نتیجه‌ی پراهمیت پژوهش او اینست که سهم کامپیوتر در افزایش بارآوری کار بسیار ناچیز است. از ۱۷۳ درصد افزایش در رشد بارآوری کار که در بالا به آن اشاره شد. به غیر از حوزه تولید کالاها و بارآوری - تنها ۰.۰۷ درصد جهش جزئی ناچیز می‌تواند به کاربرد تکنولوژی کامپیوتری و نرم‌افزار نسبت داده شود. به طور خلاصه او دریافت که تأثیر تکنولوژی کامپیوتری بر بارده تولید در مجموع ناچیز بوده است و اگر روشی در این زمینه وجود داشته تقریباً به طور کامل در حوزه تولید کالاها یا بارآموم بوده است. (۳)

این باور البته به طور گسترده‌ای وجود دارد که گسترش سریع اینترنت، اثری براری بوده است که به اثر محرکه‌ی اقتصاد نوین در افزایش بارآوری کار اجازه داده است در سراسر اقتصاد نفوذ پیدا کند. اما همان‌گونه که تحلیل پروفیسور گورنوف دربار بارآوری کار نشان می‌دهد، ارقام و در حال حاضر بر چنین نتیجه‌گیری‌هایی صکه نمی‌گذارد کامپیوترها در اثرات وسیعاً قابل دسترسی است اما جای آن که بارآوری کار در اقتصاد را افزایش دهند، به نظر می‌رسد که تأثیر معکوس داشته باشند. چرا که کارگان شرکت‌ها از اینترنت مؤسسه خود برای دسترسی به آخرین اطلاعات در بورس سهام و سرمایه‌ی گذاری‌های شخصی خود و یا خرید از طریق اینترنت و یا مکتب الکترونیکی استفاده می‌کنند. پژوهش‌های متعدد نشان داده است که پرمشتری‌ترین ساعتی که صفحات الکترونیکی برای خرید کالاها و مصرفی به کار گرفته می‌شود نه در اوقات شب و یا صبحی آخر هفته بلکه در عرض روز و از دوشنبه تا جمعه یعنی در اوقات است که مردم مشغول کارند. رواج کامپیوترهای پلنی (Laptop)، فکس، ماهواره، اینترنت و غیره نوع فعالیت روزنامه‌ها را شدیداً تغییر داده است اما با این همه، میان سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۷ بارآوری کار در صنعت روزنامه سالانه به طور متوسط ۱.۳ درصد کاهش یافته است.

(John cassidy the productivity Mirage, The New Yorker 27 Nov. 2000 p116)

انقلاب کامپیوتری بی‌شک یک انقلاب تکنولوژیک با اثراتی گسترده است.

تکلی و پراهمیت از دیدگاه اقتصادی اما نیست که این انقلاب مانند انقلاب صنعتی منتج از ماشین بخار، راه آهن و اتومبیل، دوزین‌ساز نیست. این انقلاب هنوز موجب تغییرات اساسی در جغرافیای انحصاری که همراه با مهاجرت‌های داخلی و ساختن محلات مسکونی وسیع است و هر که مستقر و وجود آوردن امکان تولید کالاها و خدمات جدید و پرشمار در مفاصل است. ماشین بخار، راه‌آهن و اتومبیل در انقلاب‌های صنعتی اول و دوم به وجود آورد نگردیده است. (Paul Baral & Paul Sweezy: Monopoly capital pp 219 - 220)

آیا چرخه‌های اقتصادی مهار گردیده است؟

گسترش اقتصادی که از ماه مارس ۱۹۹۱ آغاز گردید، همراه با اوج‌گیری بی‌سابقه‌ی بهای سهام و وام‌های سوام‌آورد در شرکت‌ها (و مصرف‌کنندگان) بوده است. پروفیسور شیلر در کتاب خود زیر عنوان شده‌ی بی‌مغز (Irrational exuberance) می‌نویسد:

همانگین بهای سهام سی شرکت صنعتی بزرگ امریکا (Dow Jones Industrial Average) - در اواسط سال ۱۹۹۴ حدود ۳۶۰۰ پدیدین رقم در سال ۱۹۹۹ از مور - ۱۱۰۰۰/۰۰۰ کاهش یافت یعنی در عرض ۵ سال بیش از ۳ برابر شد. شایع‌های اقتصادی بنیانی اما، در عرض همین ۵ سال به هیچ روحتا به سه برابر نزدیک نشد. درآمد‌های شخصی و تولید ناخالص داخلی کم‌تر از ۳۰٪ رشد کرد و تقریباً نیمی از این رشد به دلیل تورم بود. سود شرکت‌ها کم‌تر از ۶۰٪ افزایش یافت. آن هم در مقایسه با بورس که کاملاً با نسبت به اثرزکو (صفحه ۲۰۲)

پروفیسور شیلر در اتمه خاطر نشان می‌کند که شکوفایی دوران طلایی در واقع شکوفایی بی‌سابقه در تاریخ بورس سهام بوده است. نسبت بهای سهام در درآمد‌های شرکت‌ها (پیش‌شخص S&P) واقعی بهای سهام در بورس استاندارد و بور درآمد‌های تقسیمی بر میانگین مستطیر ده‌ساله‌ی سال ۲۰۰۰ به رقم ۲۲۲.۲۲ درصدی که تا آن زمان در تاریخ بورس سهام سابقه نداشته است. نزدیک‌ترین تشابه تاریخی این وضع در سپتامبر ۱۹۲۹ (دوست پیش از فروپاشی بورس سهام نیویورک) به وقوع پیوسته: زمانی که این نسبت به رقم ۳۲/۶ رسیده بود. از نظر پروفیسور شیلر و بسیاری دیگر از ناظرین، تورم سرکجه‌آور بهای سهام در بورس نیویورک هم‌هی مشخصات یک حباب سفته‌بازانه کلاسیک را داشت که منتهای آن هیچ رطبی به پای‌های یک انحصار منطقی نداشت.

چرا که رشد درآمد‌ها بسیار کندتر از رشد بهای سهام بود.

تکلی قابل توجه آن، این است. آقای گرین سین بود که در سخنرانی ششم‌امبر ۱۹۹۶ خود در واشنگتن اصطلاح ناشده‌ی مستطیر را وضع کرد تا این طریق اوضاع خطرناک موجود را توضیح دهد. ذکر این نکته نیز لازم است که گرین سین در نقش خود به عنوان رئیس بانک فدرال مرکزی امریکا با چند رسوایی‌رو است. از یک سو او تا چار است گوشش کند. گسترش اقتصادی را تا جای ممکن تشابه بخشد و هنگامی که اتمه‌ی این کار ناممکن شد، گوشش کند اقتصاد به طور آرام فروکش کند و دچار رکود و بحران نگردد. این هر دو از طرفی البته در ورای قدرت هر فرد یا هر مؤسسه است. چنانچه رئیس بانک مرکزی و هیئت مدیره بانک مرکزی قریب دارد. از این رو در ساختن نقدی فشار با هدف تأثیرگذاری بر بازار سهام بستگی از بازی اقتصادی است. هدف انقباضات گرین سین اکثر مهارت‌ها بر سفته‌بازی بیش از حد بوده است تا مابا بازار سهام دچار سقوط عمده‌ای نگردد و کین گشتی اقتصاد را پوزیشن کند. به طور هم‌زمان او به سرمایه‌داران هشدار می‌دهد که خطری واقعی نیز وجود دارد. هدف این اظهارات در عین حال عموماً توجه کردن افراش بازار برای سرمایه‌گذاران است تا احساسی عمومی از ثبات و اطمینان خاطر در آن‌ها به وجود آورد. بدین توجیه درست چند ماه بعد از نقل مقرات ناشده‌ی مستطیر او به تحسین و تعجیب از تکرارهای اقتصادی نوین پرداخت.

گویی که تورم به محای بهای سهام و رشد به ظاهر بیش از اندازه‌ی اقتصاد در مجموع عمدتاً غیر منطقی نبود چرا که به نظر او در اساس ما رشد بارآوری کار منتج از انحصار نوین قابل توجیه بود. به نظر او اکنون، دقیقاً به دلیل همین افزایش بارآوری کار امکان آن هست که میزان یکباری یائین دیگر تجدید به ایجاد تورم داشته باشیم. به سخن دیگر همان‌گونه که اکنون به طور معمول در ادبیات اقتصادی می‌خوانیم، انحصار نوین موجب گردیده است که حداقل سرمت اقتصاد تغییر پیدا کند.

تاریخ سرمایه‌داری صنعتی نشان می‌دهد که ضمن هر دوران شکوفایی طلایی، منافع اقتصادی سودبرندگان از این وضع، آنان را بر آن داشته است که اتمه‌ی رشد افزایش بهای سهام را به ظهور یک دوران نوین نسبت دهند. دورانی که چرخه‌های اقتصادی را نه تنها مهار کرده بلکه به طور کلی از میان برده است. اعلام دوران نوین همیشه، ریشه در این پیشش داشته است که تکنولوژی یا سازمان‌یایی اقتصاد سرمایه‌داری و یا هر دو به کنی و اساساً تغییر کرده است. پیش از فروپاشی بورس سهام در سال ۱۹۲۹، رونمایی که آغازگر بحران بزرگ بود. نمود چنین استدلال می‌رشد که عصر جدیدی آغاز گردیده است که در آن روش معامم وجود سرمایه‌های

تصاری خود نیز نتوانست اقتصاد را به شکلی کارتر اندازه و تنظیم کرده و چرخه های اقتصادی را مهار کند و مسیر تزویج اقتصاد را به گس از میان ببرد. (یونگ فیشتر استاد اقتصاد دانشگاه پیل و معتبرترین اقتصاددان آمریکائی زمان خودش درست پیش از لاجیکوزی نهائی بورس سهام در سال ۱۹۲۹ و فروپاشی بعدی آن بر پایه شیوه تفکر همسر جدید به فرار اعلام کرده بود که بهای سهام شرکت ها به جانی رسیده است که به نظر می رسد یک سطح پایین را نامی باشد (نقل قول از کتاب ششای به منطق نوشته پروسپرو شیرر صفحه ۱۰۶-۱).

امروزه نیز دیدگاه های مشابهی تبلیغ می گردد به طور مثال در شماره ژوئیه - اوت ۱۹۹۷ مجله امور خارجی (Foreign Affairs) (معروف ترین مجله مربوط به سیاست خارجی آمریکا که توسط شسوارزی روابط خارجی سی انتشار می یابد) در مقاله ای زیر عنوان پایان چرخه های اقتصادی آقای استون ویر استدلال می کند که «تعمیر دو تکنولوژی، ایدئولوژی، اشتغال و گردش امور مالی، همراه با جهانی شدن تولید و مصرف بی ثباتی فعالیت اقتصادی در جهان صنعتی را کاهش داده است. چرخه های اقتصادی موج را در کشورهای پیشرفته صنعتی، همه به دلیل تجزیه و هم تئوریک شدن است بیشتر شبیه ریزموج (Ripple) شوند».

خود آقای گرین سن، گرچه نمی توان گفت مدعی از میان رفتن چرخه های اقتصادی شده باشد، اما همان گونه که دیدیم، نظر داده است که با کنترل بیشتر تر ناسازگاریها در اثر سیستم اطلاعات کامپیوتری و تولید به موقع (Just-in-time) نیزه های به وجود آورنده رکود اقتصادی، شدیداً کاهش یافته است. او در سخنرانی خود در جمع کمیته مشترک اقتصادی کشور در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۱ چنین استدلال کرد: «کسی اطلاع از میزان نیازهای مصرف کننده و محل کالاها آنگاه شده و مواد اولیه بر تمامی سیستم پیچیده تولید اتومبیل گذاشته و این مسئله مستلزم نگهداری «کالاها» و مواد اضافی فراوان بوده به طوری که اگر فعالیت تولید می خواست به طور معقول عمل کند باز هم می بایست موادی بر برابر میزان لازم، نگهداری می شد. در اقتصاد نوین اما، مدیریت شرکت ها نوانست است کار نیاز کرون احتیاطی مقادیر زیادی کالا و نگهداشتن کارگران غیرصوری جلوگیری کند. ظهور دستگاه الکترونیکی تعیین قیمت و تعیین مکان کامپیون های حمل و نقل کالا توسط ماهواره زمان تحویل جنس به فروشگاه، و مصرف کننده را تقلیل داده است. گسترش شبکه اینترنت موجب گردیده است که تبادل کالاها و معاملات هم تسریع گردد و هم به طور کارآمدی صورت گیرد».

الزین بر آن آقای گرین سن همراه با ادعای خود مبنی بر این که با ظهور اقتصاد نوین رشد بارآوری کار به طور ساختاری مسیر رو به صعود پیدا کرده است، تأکید دارد که در اثر عدم تصمیم ششای کارگران، صرف نظر از میزان بیکاری، به دلیل جهانی شدن سرمایه و ایجاد بازار کار با احتیاط بیش تر به عنوان نشانه های بازار اقتصاد نوین، مزد کارگران در سطح پائین نگه داشته شده و هزینه کار برای تولید هر واحد کالا نیز کاهش یافته است. نتیجه آن که کارگران زود تسهید انتصاب مدیری (که اکثراً به معنای رشد مشاغل بی ثبات، موقت و پیماناتی است) عوض آن که با درخواست مزد و مزایای بیش تر تارامس ایجاد کنند تا جای ممکن ترجیح می دهند شغل خود را حفظ کنند. گرین سن

در بیانات خود در حضور کمیته مشترک اقتصادی کشور به تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۹۷ اشاره کرد در اوج رکود اقتصادی ۱۹۹۱، طی یک ارزیابی از وضع کارگران در مؤسسات بزرگ توسط شرکت پژوهش بین المللی نشان داده شد که ۲۵ درصد از کارگران نوس از دست دادن شغل خود را داشتند. در ۱۹۹۷ اما، با آن که میزان بیکاری بسیار پایین تر و بازار کار کاملاً مساعد تر بود تحلیلی توسط همین مؤسسه نشان داد که ۳۶ درصد از کارگران بیم از دست دادن شغل خود را داشتند».

به نظر می رسد که استدلال عدم امنیت شغلی که توجه آن بیش تر معطوف به شدتگیری مبارزه طبقاتی تحمیل شده از بالا (از سوی سرمایه بر نیروی کار) از طریق شدت بخشیدن به تعدید از دست دادن شغل است (به ویژه در شرایط کنونی که کارگران سخت زهر بار قرض رفته اند) برای توجه این که چرا چنین گسترش اقتصادی، سطح دستمزد با نازگرفت، بسیار به حقیقت نزدیک تر باشد تا ادعای مربوط به بهبود ساختاری بارآوری کار (در اثر انقلاب اطلاعاتی).

با این همه همین استدلال نیز، مانند دیگر دیدگاه های اقتصادی رایج، از آن نوع تئوری درباره چرخه های اقتصادی رنج می برد که توسط طرفداران اقتصاد ریگانی (Reaganomics) و سیاست پولی (Monetarism) عرضه گردیده است و بر این عقیده است که تورم (به ویژه به اصطلاح تورم مزدها) علت اصلی رکود اقتصادی است. حقیقت اینست که رکودهای اقتصادی، دلالت اساسی نری دارند که مربوط به افزایش سرمایه، افزایش بیش از حد ظرفیت تولید (نسبت به تقاضای مؤثر) و غیره است؛ عواملی که نسبتاً مستقل از نوسان قیمت ها است. شامل مهم تر عبارت از سرمایه گذاری بیش از اندازه و گسترش بیش از حد و همراه فروکش کردن بسندی حتمان نیروهای است که موجب این سرمایه گذاری های بیش از اندازه گردیده و هم شامل

اصلی و زیر بنایی چنین پدیده های سیز مسته ساختاری نظام یعنی استثمار بیش از اندازه (تقلیل سهم کارگران نسبت به سود سرمایه) توزیع نابرابر درآمد و ثروت و در نتیجه فقدان تقاضای مؤثر است؛ پدیده های که در شرایط سرمایه داری همیشه وجود خواهد داشت. این حقایق بنیانی درباره ی اساسات سرمایه که در درون انقلاب کبیزی وسید مورد قبول بود اکنون نیز مش همیشه، و به رغم تمام جبار و جنجال اقتصاد نوین - اعتبار خود را حفظ کرده است.

آفت رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) از ۲/۲ درصد در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۰ به ۱/۱ درصد در سه ماهه چهارم تارامس گسترده ای در میان سرمایه داران به وجود آورد شهید پد امیزترین واقعیت این بود که سرمایه گذاری های ثابت واقعی در کارهای غیر ساختن های مسکونی، در مقایسه با رشد ۱۷ درصد در سه ماهه ی سوم سال ۲۰۰۰، به میزان ۱۶ درصد کاهش یافته است. سرمایه گذاری در وسایل و ترمیم ابزارها به میزان ۳۱۵ درصد کاهش یافت. همه ی این ها همزمان با سقوط شدید بورس سهام نزدیک (Nasdaq) بورس که اکثراً محل داد و ستد سهام شرکت های وابسته به اینترنت و تکنولوژی های جدید است، و به دنبال آن سقوط بورس سهام نیویورک بود.

این که همه ی این ها خبر از وقوع یک بحران اقتصادی تمام عیار می دهد یا خیر چیزی نیست که هیچ کس در این هنگام (اواخر فوریه ۲۰۰۱) بتواند پیش بینی کند. اما آن چه اهمیت دارد اینست که چنین چرخش اوضاعی با چه نتایج و چیزی از سوی محافل به اصطلاح مطبوع روبه رو گردید. بعضی ها آشکارا و بدون توجه به وقایع تاریخی باورشان شده بود که دوره های پیشرفت سریع تکنولوژی یک به خودی خود تقصیری در برابر رکود پذیرفته که اقتصاد نوین دقیقاً به این مفهوم نوین است که عصر جدید ماواره اقتصادی غلبه بر چرخه های اقتصادی است.

ولی نکته ای که باید به خاطر داشت اینست که چرخه های اقتصادی از اواخر قرن نوزدهم به این سو یکی از ویژگی های عادی سرمایه داری بوده است و به رغم خوب و خیال های مربوط به دست یابی شرکت ها به سیل اطلاعات در چند صدم تایی و نظراتی از این دست، باز هم با ما خواهد بود هیچ یک از ادعاهای تجزیه و تئوریک مربوط به اقتصاد نوین - انقلاب تکنولوژی که افزایش بارآوری کار، افزایش میزان سود و اصطلاح - دلیل بر ضرورت وجود چرخه های اقتصادی نیست. در واقع آفت های اقتصادی چرخه های اغلب به به دلیل عدم وجود این عوامل بلکه به دلیل وجود نا امانت اند.

به این معنا که رشد سریع اتباسات سرمایه، خود

می تواند منجر به بحران گردد گسترش بیش از اندازه ظرفیت تولید نسبت به قدرت خرید مصرف کنندگان یکی از ویژگی های بنیانی اقتصاد سرمایه داری در تمام طول تاریخ آن بوده است - چه در دوران سرمایه داری واقعی، چه در دوران انحصار و چه در مرحله ی کوشش تشدید جهان گسترسی سرمایه و وجود تکنولوژی های جدید.

گسترش شبکه های بازاریهای مالی و از جمله شرکت هر چه پیش تر مردم در سفته بازی های بازاری مالی نیز تضمینی در برابر بحران نخواهد بود بحران های مالی هرچون بحران های اقتصادی به شکل ظاهر، پدیده های رایج در روند تازش نوع سرمایه داری است- این سی تازش های اقتصادی، تازش از ضعف، مدیوریت، کمبود اطلاعات یا عدم اعتقاد سرمایه داران و مصرف کنندگان نیست، بل در ریشه در سرشت طبقاتی انباشت سرمایه دارد کمک بسیار بر اهمیت تکنولوژی های جدید در ایجاد کوشش از اصلاحات که می تواند با سرعت نور به سراسر جهان منتقل گردد به همان شدت می تواند به فروپاشی بازارهای مالی کمک کند که به رشد جابجوارن کمک کرد خوب و یا ناشانه هائی جزئی از گسیختگی در شبکه ی مالی ضربه پذیری که بر پایه ی لایه های گسترده و شکننده ای از وام قرار دارد- می تواند با چنان سرعتی به گوش گردانندگان اصلی این بازارها برسد که بانک های مرکزی کشورهای اصلی فرصت جلوگیری از یک واکنش زودبهره ای نداشته باشند.

مایکل منتدل، سرمدیر اقتصادی مجله ییزینس ویک، بعد از گریز سین شاید بیش از هر فرد دیگری گستراننده چار و جنگل کنونی دوباره اقتصاد نوین نقش داشته است. با این همه آقای منتدل به جای ارائه این استدلالی که اقتصاد نوین در برابر چرخه های اقتصادی مقاوم است، اخیراً کتابی زیر عنوان بحران آینده اینترنت نوشته است که در آن به احتمال وقوع یک بحران شدید اقتصاد نوین اشاره می کند؛ بحران که به ویژه تازش از آن چیزی خواهد بود که آن را چه تکنولوژیک (Tech Cycle) می خوانند- استدلال منتدل ایستد که چرخه ی تکنولوژیک نشانگر این واقعیت است که هر ضربه ی اقتصادی، در دوران اطلاعاتی، دوباره و با اساسی تازه ظاهر گردد یده است. به قول آقای منتدل ویژه گی مرحله ی صودی چرخه ی تکنولوژیک، نوآوری های پرشتاب تکنولوژیک، دستیابی آسان به سرمایه برای آغازکنندگان تولید ایسن نوآوری ها (در آنسو وجود سرمایه های ریسک پذیر) افزایش شدید بازارهای کار، شکوفایی سرمایه گذاری، چرخه که شرکت ها کوشش دارند یا به پای پیشرفت تکنولوژی حرکت کنند- تمام نهم از آن افزایش برآده تولید و فشار رقابتی، و بالا نهم در رونق بورس سهام است. تمام عوامل بالا بیان کننده

وجود اساسی نظریه اقتصاد نوین است. آقای منتدل اما می گوید که چرخه ی تکنولوژیک اقتصاد نوین دارای یک مرحله افت نیست؛ مرحله ای که در آن رکود تکنولوژی، فروکش کردن سرمایه های ریسک پذیر، رخوت در رشد بازارهای کار، کاهش سرمایه گذاری، ظهور مجدد تورم و فرو افتن بورس سهام وجود دارد.

تا آن جا که به نظر منتدل چرخه های تکنولوژیک جای چرخه های اقتصاد سنتز را گرفته است، تحلیل لویه طور کنی زیر سؤال است. اما ادعای او منی زیر این که نیروهای مختلفی که اقتصاد نوین را به شکوفائی رساندند، پس از سوخته شدن می توانند منجر به یک سیر نزولی، و در واقع موجب یک افت شدید گردند- عنصری متناقضی که به دنبال اقتصاد نوین می آید؛ بحث منتدل اینست که تکنولوژی بسیار پیشرفته به معنای بی ثباتی بسیار شدید است.

منتدل استدلال می کند که آن چه سنتز را خطرناک تر می کند، میزان بسیار بالای تأمین سرمایه برای اقتصاد نوین از طریق گرفتن وام است. چه وام شرکت ها و چه خانواده ها. پدیده ای که امکان یک ورشکستگی زنجیره ای را تشدید می کند. نسبت وام خانواده ها به درآمد قابل خرج آن ها از ۸۰ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۱۰۰ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت. وام شرکت های غیرمالی از آغاز سال ۱۹۷۷ تا آغاز سال ۲۰۰۰ ۳۶۰ درصد افزایش یافت. وام گرفتن با چنین وسعتی به معنای گرفتاری بیش تو هنگام افت اقتصادی است. به ویژه برای کارگران که برای جبران سکین دستمزدها نشان ناچار به گرفتن وام بودند.

اشاره به این نکته نیز مفید خواهد بود که ایالات متحده در سال های دهه ی ۱۹۹۰ در تقابل با اقتصادهای ژاپن و اروپا (که یکی در حال رکود و دیگری در حال سکون نسبی بود و در نتیجه سرمایه ها شان به سوی آمریکا ریزش شد) از یک رونق اقتصادی برخوردار گردیده است. منتدل اعلام می کند که شکوفائی مجدد اقتصادی اروپا و آسیا منبذاد آغازگر بحران مالی در آمریکا و عتاً در سطح جهان باشد شکوفائی اقتصاد نوین در آمریکا، از جهت مالی تا حد زیادی توسط سبب یک جانبه پول از کشورهای ماوراء بحار به سوی آمریکا تأمین گردید منتدل اشاره می کند:

تقریباً در سال ۱۹۹۵ پول خارجی فقط ۸ درصد مجموع سرمایه گذاری های آمریکا را تشکیل می داد (چه در کارهای ساختمانی و چه دیگر فعالیت های اقتصادی) امر حالی که در ۳ ماهه اول سال ۲۰۰۰ پول خارجی ۱۶ درصد از این سرمایه گذاری ها را تشکیل دند همه ی این رویاندها موجب گردیدند که آمریکا تعدیل به کمپوری بدکار در مقیاس وسیع گردد به طوری که تخمین زده می شود ارزش بدهکاری های

خارجی آمریکا در پایان سال ۱۹۹۹ یکی تربیون دلار بیش از ارزش دارایی های خارجی این کشور بوده است. این که چنین شرایطی می تواند منجر به برین کشیدن دلار از آمریکا در مقیاسی ویرانگر شود قابل تصور است- شواهدی که موجب خواهد شد سرمایه گذاران خارجی سرمایه ها شان را بخش سریع تر از آن که وارد این کشور می کردند از این جا بیرون کشند چنین رویاندهای می تواند یک بحران جهانی در سطح جهانی به وجود آورد تا به گسستی جان آیت ول و لاسس تیلر در کتابشان زیر عنوان وضع مالی جهان در خطر: هنر تازش های بالقوه - مانند بیرون کشیدن سرمایه گذاری ها از ایالات متحده تعهدات مالی بین انشالی علیه این کشور در قبال بدهکاری هایش و فشار فزاینده ی مالی بر خانواده ها- می تواند یکی دیگری را تشدید کند و بر حسن اعتماد نسبت به بازارها اثر منفی گذارد در چنین موقعیتی - همه ی امیدها نسبت به ایجاد ثبات در سطح کلان می تواند از میان روده جهانی شدن و پیامدهای قاجیه بار یک فروپاشی اقتصاد نوین می تواند یک فروپاشی اقتصادی در سطح جهانی به وجود آورد.

مایکل منتدل برای گرم کردن بازار فروش کتاب خود زیر عنوانی این چنین به آن می نهد: «چرا شکوفائی تکنولوژی مندرن از هم فرو خواهد باشند چرا این فروپاشی بدتر از آن است که تصورش را می کنیم و چگونه می توان از آن پس ترومنت شد» این زیر عنوان مجموعه ای از تشخیص بسیاری و استراقی کوشش است و هیچ جنبه ی علمی ندارد- تشخیص این که اقتصاد نوین حتی اگر فرض کنیم نظریه ای صحیح باشد جنبه ی قهقری خود را نیز دارد که می تواند منجر به بحران شدید گردد- چاره کاملاً متناقض است: اما لازم است به خاطر داشته باشیم که بیش تر آن چه فرض می شود دوباره اقتصاد نوین به اثبات رسیده نخیلاتی بیش نیست رونق چکشگیر سرمایه گذاری، تر رابطه با اقتصاد کامیونری می واقعبت است- این نظریه اما، که افزایش ساختاری او نه چرخه ای در بازارهای کار در سرمایه اقتصاد روی نده است و این که این عامل (اونه مبارزه طبقاتی و تغییر ساختار بازار کار) باعث و بانی افزایش سطح اشتغال همراه با تورم است- این نسبت هاست. لاقبل بسیار مشکوک است- بخش هایی از اقتصاد آمریکا که از همه سریع تر سطح اشتغال را بالا برده و ارزش افزوده ایجاد کرده اند، آن بخش هایی هستند - خدمات و به ویژه خدمات مالی- که با نشان سطح پایین بازارهای کار معروفانند و با اثبات سرمایه ی بونی مربوطانند و نه گسترش تولید.

مناظر این افت اقتصادی که اکنون به نظر می رسد با آن دست به گریزان باشیم- با احتمال بسیار زیاد وجه مشترک با یک چرخه ی اقتصادی

مستلای است مربوط به سازده طبقانی.
نیویورک - ۲۰ آوریل ۲۰۰۰
اشاره مترجم:

این مقاله، «مورس سامانه» شماره ماه
آوریل ۲۰۰۱ مجله مانشی ریویو است که نظر
مسیران این مجله را مستکسر می‌کند. از این
شماره به بعد، مجله هم از سوزنی و هری
مگداف دو دبیر دیگر خواهد داشت: جان لامس
(K.Mc chesney) فاستر و رابرت مک چسپی
مفاده حاضر توسط جان لامس فاستر نوشته
شده و به تشریح دیگر دبیران مجله رسیده
است.

منبع:

گزارش اقتصادی به رئیس جمهور سال
۲۰۰۱ جدول B-15 صفحه ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹
اقتصادی جاری، ژانویه، فوریه ۲۰۰۱ درآمد ملی
و محاسبات تولیدی جدول ۵ و ۵

Robert. H. Mc Guckin and Kevin
J. Stiroh, "Computers can accelerate
production Growth"

Issues in science and tech nology
(Nacional academy of sciences vol
xiv no. 4 (summer 1998)

پانویسها:

۱. باید خاطرنشان کرد که در اثر تکنولوژی‌های
جدید، پیشرفت‌های مفهومی ای جهت کاربرد
ماشین‌های اتوماتیک در تولید صنعت صورت
گرفته. این پیشرفت‌ها شامل نه تنها کامپیوتر
بل که علم سیونتک نیز می‌گردد که ارتباط زیادی
با کل تکنولوژی کامپیوتری دارد برای استفاده
پیشتر از وسایل اتوماتیک یا کارگر کمتر.
استانگاهای مختلف کنترل دستگاه‌ها و بازخوردی
(feed-back) که از کامپیوتر و دستگاه‌های شبه
کامپیوتر استفاده می‌کنند به کار گرفته می‌شود. از
این رو، ارتقا مربوط به استفاده از تکنولوژی
اطلاعاتی صرف در صنایع تولیدکننده کالاها
بازنمو مانند آن چه در این جا بیان اشاره شد
سین تواند از جهت درک نقشه که تکنولوژی‌های جدید
در این بخش بازی می‌کنند قریب گمراه کننده باشد.
۲. در مورد شکل کاربرد آمار بارآوری کار در
بخش خدمات بر مقاله (The use and abuse of
Measuring productivity) پوشش هری
مگداف و پل سوزنی در مجله مانشی ریویو روشن
۱۹۸۰ مرجمه شود.

۳
Robert Gordon. "Not Much of a
New Economy" Financial Times, July
26/2000 and, "Does the New

کلاسیک خواهد داشت؛ چرخه‌ای که ظرفیت بیش از
حد تولید، و نه چرخه‌ی تکنولوژیک که توسعه
متدل شرح داده شد، در آن نشش محوری بازی
می‌کند. در واقع ظرفیت تولید اضافی در صنایع یکی
پس از دیگری و در صنایع جهانی در حال ظاهر شدن
است. بنا به گزارش فواید نویسن، مختصر اقتصادی
نیویورک تایمز (۱۶ فوریه ۲۰۰۱) صنایع ارتباطات
راه دور در سطح جهانی، که بزرگترین شوک‌های
رشد را در دهه ۱۹۹۰ نشان داده است، مواجبه با
یک گرداب مخوف است. سرمایه‌گذاری‌های
عظیم، چنان ظرفیت تولیدی ایجاد کرده است که از
میزان تقاضای مؤثر فراتر می‌رود. تأمین اعتبار نیز
حتا در هنگامی که منابع بزرگی برای تمام پروژه‌های
عظیم و ناام لازم است، متوقف گردیده است. «به
طور همزمان، شرکت‌های ضعیف‌تر از آن‌ها در می‌آیند
و به قول چارلز کلاو مدیر شرکت سرمایه‌گذاری کلاو
یکی پس از دیگری و به طور تدریجی اعلام
ورشکستگی می‌کنند - سرانجام رشد اقتصادی
کافی برای جذب مارا ظرفیت به وجود خواهد آمد.
اما این مسئله سال‌ها - و نه ماه‌ها - طول خواهد
کشید. بازارهای مالی هنوز به طول کامل
سختی‌های ایسته را در محاسباتشان منظور
نکرده‌اند».

تجدیدی نمی‌توان داشت که تکنولوژی‌های
محرانگیر عنصر اطلاعاتی وجودی، از زندگی فردی و
اجتماعی ما را شدیداً تغییر داده است. این
تکنولوژی‌ها با گذشت زمان نوبت تغییرات باز هم
بیش‌تری را می‌دهند. واقعیت اینست که هر یک از
انقلابات تکنولوژیک در طول تاریخ تکامل
سرمایه‌داری، سهمی در تغییر شیوه زندگی انکارده
است. اما نه انقلابات تکنولوژیک پیشین، و نه
انقلاب کامپیوتری امروز، در هیچ موردی اقتصاد
توین یا چرخه تکنولوژیک جدیدی به وجود
نیاروند. فراترین اقتصادی حرکت سرمایه هنوز
به قوت خود باقی مانده‌اند.

ما در حال گذار از وضع بی‌سابقه‌ای هستیم که
وجود تحولات جدید و دراماتیک، از جمله نه تنها
شوکت‌های و فرسودگی اقتصاد نسوین بل که
فلسفه‌ی بی‌سابقه میان شروت و فاستر،
جهان‌گردی می‌مهداد. عظیم‌ترین موج ادغام‌های
انحصاری در تاریخ با هدف تسخیر بخش‌های هر
چه بزرگ‌تری از بازار جهانی توسط شمار نسبتاً
کودکی از شرکت‌های انحصاری و جهانی از
خصیصیات برجسته آن است. جای آن که بگوئیم
بیش بینی کنیم که تحت این شرایط سریعاً در حال
تغییر چه پیش خواهد آمد. ما باید توجه خود را به
تندآهائی اصلی و گزارش‌هایی مسترکز کنیم که
نقش برجسته‌ای در تحولات آینده خواهند داشت. و
در عین حال دائم آگاه باشیم که این پدیده مربوط به
تلاش سرمایه و بحران آن است و بنابراین

اعتذار و قدردانی

فرهنگ توسعه ویژه بمران شعر
(شماره ۱۴۹) با توجه به توسعه و
بلند نظری دست‌اندرکاران چاپ
و نشر روزنمای ادبی ایران که
عمده‌ی (ممت آن با هنرمند
گرامی و همکار ارجمند جناب
ولی‌زاده بوده است، از عکس‌ها
و طرح‌های آن مجموعه نفیس
بهره‌ها برده. حق بر آن بوده و
هست که دست گم از آقای
ولی‌زاده و طراح بهره‌های بارز
شعر امروز کسب اجازه می‌شود.
امید است آن عزیزان گرانقدر و
همکاران (ممت‌کش ایشان
این فضای سهوی را بر ما
بخشایند.

فرهنگ توسعه